

سرنوشت القاعده در سوریه



پیشتر نام حمزه بن لادن به شدت مطرح شده بود، چون نام پدرش، نوعی حالت نمادین و پر قدرت به او می‌بخشید، اما جوان و بی‌تجربه بودن او و خصوصا آشنا نبودنش با عرصه‌ی سوریه باعث می‌شود که در اختیار گرفتن مسئولیت شاخه‌ی القاعده در شام، بزرگ‌تر از حد و اندازه‌ی توانمندی‌های او به نظر بیاید.

به گزارش آران نیوز: شاید نبردهای اخیر ادلب، تا حدی باعث فروکش کردن اختلافات بین جبهه‌ی النصره با القاعده شده باشد، اما در هر حال ساختار داخلی تکفیری‌ها حتما با یک تجدید بنا مواجه خواهد شد، و به نظر می‌رسد به محض آنکه صحنه‌ی میدانی اولین امکان نفس تازه کردن را به آن‌ها بدهد، روند این تجدید ساختار آغاز خواهد گردید. هرچند که دو طرف اصلی این درگیری عجله‌ی برای «یکسره شدن» نهایی این درگیری ندارند، اما کسانی دیگر در صحنه وجود دارند که اتفاقا عجله دارند، خصوصا کسانی که امید بسته‌اند تا به جای ابومحمد الجولانی، در رأس هرک القاعده در سوریه بنشینند.

عجله نداشتن ایمن الظواهری در زیر پا گذاشتن «حرمت جهادی» نیروی خودش در سوریه را می‌توان با توجه به اصرار رهبر القاعده برای حفظ «وقار شرعی» در بین این جریان درک کرد. در طرف مقابل، جولانی هم آمادگی ندارد که در مرحله‌ی جاری، وارد تنش با «مهم‌ترین نمادهای جریان جهادی» شود.

اما درست در همین زمان، محافل داخلی ادلب پر است از «جهادی»‌هایی که از دست جولانی خشمگین‌اند و اتفاقا می‌خواهند «جلال و عظمت» او را خرد کنند.

هرچند هنوز مشخص نیست که اختلافات موجود بین القاعده و النصره با چه فرمولی حل خواهد شد، ولی به گفته‌ی اکثر افراد شاخص وابسته به القاعده در سوریه، بازگشت مستقیم النصره به دامن سازمان مادر بسیار بعید به نظر می‌رسد و نیاز شدید امروز بر این است که یک ساختار قوی و تازه در شام ایجاد گردد که همه‌ی جناح‌های وابسته به القاعده در این منطقه را ذیل خود جمع کند.

گرچه شخصیت‌های القاعده در سوریه خود می‌دانند که رسیدن به این هدف، کار آسانی نیست، اما معتقدند که تعیین یک رهبر جدید از سوی ظواهری و دادن پرچم القاعده در سوریه به دست او، اولین گام در این زمینه محسوب می‌شود که البته گامی بسیار کارآمد خواهد بود.

در همین راستا، پیشتر نام حمزه بن لادن به شدت مطرح شده بود، چون نام پدرش، نوعی حالت نمادین و پر قدرت به او می‌بخشید، اما جوان و بی‌تجربه بودن او و خصوصا آشنا نبودنش با عرصه‌ی سوریه باعث می‌شود که در اختیار گرفتن مسئولیت شاخه‌ی القاعده در شام، بزرگ‌تر از حد و اندازه‌ی توانمندی‌های او به نظر بیاید.

منابع داخلی جریان «جهادی» که روزنامه‌ی الاخبار با آن‌ها گفتگو داشته، می‌گویند «چند طرح در این زمینه وجود دارد که در دست بررسی هستند».

دو گزینه برای دوران «پسا جولانی»

در حالیکه همه چشم‌انتظار تعیین تکلیف شاخه‌ی سوری القاعده از سوی رهبران سازمان مادر هستند، دو گزینه‌ی اصلی روی میز قرار گرفته و قرار است در صورت «قطع شدن آخرین رشته‌های بین القاعده و جولانی» یکی از آن دو گزینه عملی شود: گزینه‌ی اول عبارت است از انتخاب شخصیتی با توانمندی و تجربه‌ی لازم برای رهبری القاعده در سوریه به عنوان جایگزین جولانی، و گزینه‌ی دوم عبارت است از تعیین حمزه بن لادن به عنوان رهبر این شاخه‌ی القاعده، البته در کنار تعیین یک «مجلس شورا» از افراد دارای توانمندی و تجربه‌ی لازم.

اما تصمیم بر عملی شدن هر کدام از این دو گزینه که اتخاذ شود، اسم یک نفر، به عنوان یکی از افراد تاثیرگذار در مرحله‌ی آتی خودنمایی می‌کند و این شخص کسی نیست جز ابوماریا القحطانی. طرفداران پرشور قحطانی استدلال می‌کنند که او در «مرحله تاسیس [جبهه‌ی النصره]»، از اولین کسانی بود که [از عراق] وارد سوریه شد و در تمامی مراحل تاسیس و پس از آن هم حضور مستقیم داشت، و به این ترتیب، تجربیاتی که پیشتر در عراق و در کنار ابومصعب الزرقاوی و سپس ابوعمر البغدادی و بعدها ابوبکر البغدادی به دست آورده بود، در سوریه تقویت شد.

در طرف مقابل برخی‌ها معتقدند که این جایگاه بزرگ‌تر از حد و اندازه‌ی القحطانی است، چراکه گروه‌های بزرگی در سوریه حضور دارند که با القاعده بیعت کرده‌اند، ولی هیچ‌گونه سابقه‌ی همکاری مشترک با قحطانی ندارند که به عنوان مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «حزب اسلامی ترکستان» اشاره کرد. طرفداران این نظر، شور و حرارت بیشتری برای زعامت حمزه بن لادن نشان می‌دهند، ولو اینکه این زعامت، صوری و خالی از قدرت تصمیم‌گیری باشد.

اما اسم ابوماریا القحطانی در نبردهایی که این روزها در ادلب جریان دارد بیش از پیش به گوش می‌رسد چرا که از او به عنوان «پدر معنوی» گروه «جیش البادیة» نام برده می‌شود (یکی از گروه‌های وابسته به القاعده که حدود ده روز پیش وارد این نبردها شده است).

بر خلاف چیزی که در برخی منابع ذکر می‌شود، این گروه، یک گروه تازه‌تاسیس نیست بلکه تاسیس آن به سال ۲۰۱۵ بازمی‌گردد. از مهم‌ترین فرماندهان این گروه هم ابوتراب الحموی بود، شخصیتی که در عین حال از سران جبهة النصره محسوب می‌شد و در سال ۲۰۱۶ در جریان بمباران فرودگاه نظامی ابوالظهور کشته شد. حموی در زمان کشته شدن، مسئولیت «امیر نظامی منطقه‌ی بادیه [سوریه]» را در جبهة النصره بر عهده داشت.

جیش البادية به عنوان گروهی وابسته به جبهة النصره در سال ۲۰۱۵ تاسیس شد و زیر پرچم النصره در بسیاری از نبردها مشارکت داشت، از نبردهای ریف جنوبی حلب در اواخر سال ۲۰۱۵ گرفته تا نبرد «دانشکده‌ها» در خود شهر حلب.

در ماه نوامبر گذشته که جبهة النصره شروع به دستگیری تعدادی از «فرماندهان القاعده ای» در ادلب نمود، جیش البادية همکاری خود را با «هیئت تحریر الشام» (یا همان جبهة النصره) تعلیق کرد. بعد از پیام صوتی اخیر الظواهری هم که طی آن رهبر القاعده به صورت علنی از جولانی ابراز نارضایتی کرد، جیش البادية رسماً از هیئت تحریر الشام اعلام انشقاق کرده و با سازمان القاعده بیعت مجدد نمود.

در همین زمان، برخی گروه‌های دیگر هم همین روش را در پیش گرفتند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «جند الملاحم» اشاره کرد. این گروه از بازمانده‌های «جندالاقصى» تشکیل شده و امیر عربستانی‌اش ابوعبدالرحمن المکی جزو بازداشت‌شدگان جریان اخیر توسط جبهة النصره بود.

با تمام این تفصیلات، جیش البادية و جند الملاحم در راستای دستورات سازمان القاعده وارد نبردهای اخیر در ادلب و ریف جنوبی حلب شده‌اند. برخی منابع جهادی می‌گویند که «هر لحظه ممکن است که این دو گروه خبر ادغام خود در یکدیگر را اعلام کنند.» در حال حاضر هم این دو گروه مستقیماً از طرف القاعده و به نام القاعده می‌جنگند. اما پیش از ورود آن‌ها به جنگ، توافقی بین آن‌ها با هیئت تحریر الشام صورت گرفت که بنابر آن، جولانی افراد بازداشتی این دو گروه را آزاد و اسلحه‌هایی که نیروهای النصره از مخازن آن دو گروه مصادره کرده بودند را به آن‌ها بازگردانند.

یک منبع «جهادی» که نامش ذکر نشده در گفتگو با الاخبار اعلام کرده است: «اولویت در حال حاضر، مقابله با یورش متجاوزین [یعنی ارتش سوریه و نیروهای مقاومت!] به ادلب است. بر همین اساس توافق شده تا هر حرکت دیگری به آینده موکول شود.» در کنار همه‌ی این سر و صداها، رسانه‌ای درباره‌ی جیش البادية، برخی منابع دیگر معتقدند جیش البادية در عمل اهمیت چندانی ندارد و تعداد نیروهایش از چند ده نفر تجاوز نمی‌کند. البته باید به فعال شدن این گروه در زمینه‌ی رسانه‌ای در روزهای اخیر هم اشاره کرد. چنانکه چند کلیپ ویدئویی حرفه‌ای [از صحنه‌ی درگیری‌های اخیر] توسط این گروه منتشر شده است. اطلاعاتی هم در دست است که ابوماریا القحطانی عملاً فرمانده این گروه به حساب می‌آید، هرچند که خودش به صورت رسمی این مسئله را اعلام نمی‌کند.

مروری بر زندگی نامه‌ی ابوماریا القحطانی

اما این ابوماریا القحطانی پر سر و صدا کیست؟ نام اصلی او میسر علی الجبوری است و در ژوئن ۱۹۷۶ [خرداد یا تیر ۱۳۵۵] متولد شده. اصلیت او به شهرستان حراره عراق (در استان نینوا) باز می‌گردد. قحطانی پس از لشگرکشی آمریکا به عراق، و مشخصاً در سال ۲۰۰۴ به سازمان القاعده‌ی عراق پیوسته و جزو نیروهای ابومصعب الزرقاوی شد. دو سال بعد و پس از تاسیس «دولت اسلامی عراق» منصب «مسئول شرعی موصل» به عهده‌ی او گذاشته شد و توانست نقش پررنگی در بیعت گرفتن از عشایر عراقی برای این گروه تازه‌تاسیس ایفا کند و خود نیز بعدها مسئولیت مختلفی در آن به عهده گرفت که مهم‌ترین آن عبارت بود از مسئولیت دیوان «حسبة» [دیوان امر به معروف و نهی از منکر و نظارت] در موصل.

در سال ۲۰۰۸ در عراق دستگیر و در اواسط سال ۲۰۱۰ آزاد شد. پس از آغاز بحران سوریه، [با مأموریت از سوی دولت اسلامی عراق و رهبر آن یعنی ابوبکر البغدادی] به همراه ابومحمد الجولانی راهی سوریه شد تا «شعله‌ی جهاد را در شام روشن کند.» آمریکا طبق دستور ریاستی شماره ۱۳۲۲۴ به تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲ [۲۱ آذر ۱۳۹۱] اسم او را در فهرست افراد تروریست قرار داده است.

از اواسط سال ۲۰۱۲، قحطانی از سوی «مجلس شورای مجاهدین در منطقه‌ی الشرقیه» [مرز سوریه با عراق] به عنوان «امیر کل جبهة النصره در منطقه الشرقیه» منصوب شد و گروهش نبردهای سخت و سنگینی با داعش صورت داد که البته در نهایت این نبردها به نفع داعش خاتمه یافت.

در پی این شکست‌ها قحطانی به جنوب سوریه [مرز با اردن و فلسطین] منتقل شده و منصب «امیر کل جبهة النصره در منطقه جنوب» را به دست آورد. در سال ۲۰۱۵، خود را از درعا به ادلب رساند.

او در حال حاضر در ادلب است و باید منتظر بود و دید آیا ستاره‌ی اقبالش در آسمان «تکفیری‌های شام» پیش از پیش خواهد درخشید یا نه.